

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: طارق سیریل عمار\*  
برگردان: مجله جنوب جهانی  
فرستنده: علی کاظمی  
۲۹ می ۲۰۲۵

## آیا آلمان برای اولین بار پس از هیتلر در معرض خطر هدف قرار گرفتن توسط روسیه قرار دارد؟



آیا برلین ارسال راکت‌های تانوروس به کییف را آغاز می‌کند و خطر تبدیل شدن به یک هدف مستقیم برای تلافی را به جان می‌خرد؟

\* - طارق سیریل عمار، مؤرخ آلمانی که در دانشگاه کوچ استانبول بر روی روسیه، اوکراین و اروپای شرقی، تاریخ جنگ جهانی دوم، جنگ سرد فرهنگی و سیاست‌های حافظه کار می‌کند.

\*\*\*\*\*

صدراعظم فریدریش مرتس، از محافظه‌کاران اصلی CDU/CSU آلمان، جنجالی به پا کرده است. این بار با اظهاراتی در مورد سلاح‌های آلمانی در اوکراین. یا دقیق‌تر، این که نیروهای کییف دقیقاً چگونه ممکن است از سلاح‌های ارائه شده توسط برلین استفاده کنند.

مرتس در یک انجمن عمومی که توسط یک ایستگاه تلویزیونی بزرگ آلمانی برگزار شد، اعلام کرد که دیگر هیچ محدودیتی در برد سلاح‌های آلمانی که ارتش اوکراین می‌تواند به سمت روسیه شلیک کند، وجود ندارد.

اظهارات مرتس هم جنجالی (تا حدودی) و هم مبهم بود. او اشاره کرد که این اظهارات نشان‌دهنده یک تغییر است، اما اکنون شرکای سوسیال دموکرات او و حتی خود مرتس خلاف این را می‌گویند: این که او چیز جدیدی به ما نمی‌گوید. به نظر می‌رسد مرتس بدون فکر کردن، بداهه‌پردازی کرده است. در این صورت، مسأله مهمی نیست. او همین‌طوری

است: آنقدرها هم با دونالد ترامپ، هیولای تکانشی امریکائی، متفاوت نیست، آنطور که صدراعظم عبوس از المان منظم ممکن است تصور کند.

علاوه بر این، سلاح‌هایی (سیستم MARS II و Panzerhaubitze 2000) که اوکراین در حال حاضر از المان دارد، برد متوسطی دارند (۸۴ و ۵۶ کیلومتر). حذف محدودیت‌های سیاسی بر روی آنها، تا حد زیادی از نظر نظامی بی‌اهمیت است.

اما اگر مرتس حیلہ‌گرتر بوده باشد، چه؟ این تفسیری است که در بین سیاستمداران المانی که می‌خواهند المان را حتی بیشتر به جنگ نیابتی بزرگ غرب علیه روسیه از طریق اوکراین بکشانند، محبوب است. برای توماس رووه‌کامپ، همکار محافظه‌کار او – و رئیس کمیته دفاعی پارلمان المان – منظور مرتس از «نه» صریح به هرگونه محدودیت برد برای سلاح‌های المانی، آماده کردن زمینه برای تحویل راکت کروز قدرتمند تائوروس به کییف است.

به گفته رووه‌کامپ، در زمان اولاف شولتز، سلف مرتس، برد بلند تائوروس (بیش از ۵۰۰ کیلومتر) به عنوان استدلالی علیه تحویل آن به اوکراین استفاده می‌شد. با این منطق، حذف محدودیت‌های برد به معنای تسهیل انتقال تائوروس است، که مدت‌ها آرزوی سیاستمداران جنگ‌طلب المانی و همچنین برخی از افسران بلندپایه بوده است. جای تعجب نیست که سبزهای نظامی‌گرای المان، قبلاً درخواست‌های همیشگی خود برای تشدید تشنج بیشتر با تحویل تائوروس به کییف را تجدید کرده‌اند.

خطرات بزرگ این اقدام بخوبی شناخته شده است، اما به نظر می‌رسد بخش‌های بزرگی از نخبگان المان در مورد آنها در انکار به سر می‌برند: نه تنها تائوروس می‌تواند به عمق روسیه حمله کند – یا حداقل تلاش کند، در برابر پدافند هوایی روسیه – و حتی به مسکو ضربه بزند، بلکه این نیز یک واقعیت است – همانطور که رئیس نیروی هوایی المان هنگام احساس عدم مراقبت اعتراف کرد – که ارتش اوکراین نمی‌تواند به تنهایی از تائوروس استفاده کند. پیچیدگی هدایت، برنامه‌ریزی و پرتاب آن مستلزم آن است که المانی‌ها نقش مستقیمی در استفاده از آن علیه روسیه ایفا کنند.

بنابراین، حتی اگر تائوروس از اوکراین شلیک شود، توسط المان نیز شلیک خواهد شد. مسکو – چه راکت را رهگیری کند یا نه – چاره‌ای جز این نخواهد داشت که المان را نه «صرفاً» یک نیروی نیابتی مهم در پشت اوکراین، بلکه یک حریف مستقیم بداند. به عبارت ساده، روسیه در حال جنگ با المان خواهد بود. یک کارشناس برجسته دفاعی روسیه قبلاً در محبوب‌ترین برنامه سیاسی روسیه – ۶۰ دقیقه – ظاهر شده و استدلال کرده است که در این صورت، مسکو باید حداقل یک حمله راکتی محدود، غیرهسته‌ای اما مطمئناً دردناک علیه تأسیسات تولید تائوروس در المان انجام دهد.

تحویل تائوروس به کییف همیشه ایده وحشتناکی بوده است، به ویژه به این دلیل که حتی افسران المانی مدت‌هاست اذعان کرده‌اند که حتی نمی‌تواند تفاوت قاطعی به نفع اوکراین ایجاد کند. تنها کاری که تائوروس می‌تواند انجام دهد این است که به یک رژیم ناامید اوکراینی کمک کند تا با درگیر کردن مستقیم المان، عضو ناتو، جنگ را به سطح بالاتری برساند. این قطعاً یک گزینه کامیکازی است که تندروترین بازها در ناتو-اتحادیه اروپا از آن استقبال می‌کنند، هرچند که دیوانه‌وار باشد.

پس چرا مرتس اکنون این سیگنال عجیب را فرستاده است؟ آیا او یکی از آن بازها است؟ آیا او خواهان یک جنگ مستقیم با روسیه است؟ احتمالاً نه، حداقل نه خیلی زود. زیرا مرتس وسواس این ایده را دارد که المان را به طور گسترده‌ای دوباره نظامی کند، دقیقاً به این دلیل که او استدلال می‌کند – و احتمالاً حتی معتقد است – که در حال حاضر بسیار ضعیف است. در عین حال، او می‌داند که این تسلیح مجدد – با هدف صریح ارائه قوی‌ترین ارتش به المان،

حداقل از نظر متعارف، «در اروپا» (بیانید به مفهوم سیاسی شده او از «اروپا» نپردازیم) – سال‌ها طول خواهد کشید. اگر اصلاً موفق شود.

مرتس ادعا کرد که اظهارات او پاسخ مناسبی به موج حملات پهبادی و راکتی روسیه در آخر هفته گذشته بوده است. سیاستمداران آلمانی که از آخرین حمله صدر اعظم حمایت می‌کنند، با این ادعا موافق هستند و این حملات روسیه را نه تنها در مقیاس بزرگ، که بودند و وزارت دفاع روسیه نیز علناً آن را به رسمیت شناخته است، بلکه به عنوان هدف قرار دادن غیرنظامیان نیز به تصویر می‌کشند، که به وضوح اینطور نبود.

با این حال، شواهد با هر دو اتهام مغایرت دارد: اولاً، واضح است که هدف مسکو غیرنظامیان نبوده‌اند. از کجا این را می‌دانیم؟ نه، لازم نیست حرف روسیه را باور کنید. در عوض، با این سؤال به طور تجربی برخورد کنید و ارقام زیر را در نظر بگیرید که نه توسط رسانه‌های روسی، بلکه توسط سایت خبری مهم و معتبر اوکراینی Strana.ua گزارش شده است:

در آخر هفته گذشته، از شب جمعه شروع شده و تا شب یکشنبه ادامه داشت، روسیه در مجموع ۹۲ راکت و بیش از ۹۰۰ پهباد به سمت اوکراین پرتاب کرد. ارتش اوکراین تقریباً ۳۰ اصابت مستقیم به مکان‌های نامشخص را تأیید می‌کند. از آنجائی که اوکراین سیاستی مبنی بر عدم افشای تلفات نظامی و در عین حال بهره‌برداری حداکثری از تلفات غیرنظامیان برای اهداف جنگ اطلاعاتی دارد، می‌توانیم فرض کنیم که این مکان‌ها سایت‌های نظامی یا تولیدات نظامی بوده‌اند، دقیقاً همانطور که روسیه ادعا کرده است. علاوه بر این، به گفته نیروی هوایی اوکراین و رسانه‌های اصلی آلمانی، در طول شب دوشنبه، روسیه ۶۰ پهباد به سمت اوکراین پرتاب کرد.

پس تلفات غیرنظامیان در جریان این حملات چطور؟ بیایید واضح باشیم: هر زندگی انسانی ارزشمند است، هر مرگی وحشتناک است و هر آسیبی تأسفبار است. با این حال، تناسب‌ها مهم هستند. برای حملات آخر هفته روسیه، ما ارقام اوکراینی و غربی (باز هم، نه روسی) زیر را در مورد تلفات غیرنظامیان می‌یابیم: تا روز شنبه، بی‌بی‌سی گزارش داد «حداقل ۱۳ نفر» کشته و «۵۶ غیرنظامی» در سراسر اوکراین زخمی شده‌اند. به گزارش Strana.ua، حملات هوایی روسیه در طول شب یکشنبه ۱۶ کشته، از جمله سه کودک (در مجموع ۱۲ کشته به گزارش واشنگتن پست) و شب دوشنبه ده مورد جراحت بر جای گذاشت.

این ارقام کاملاً واضح نیستند. به عنوان مثال، هنگامی که تعداد کشته‌شدگان بسادگی «نفر» (نه به طور خاص «غیرنظامی») گزارش می‌شود، منطقی است که فرض کنیم این به غیرنظامیان اشاره دارد (زیرا، باز هم، اوکراین سیاستی مبنی بر عدم افشای تلفات نظامی را دنبال می‌کند). برخی مغایرت‌ها وجود دارد. ممکن است همپوشانی‌هایی وجود داشته باشد.

از سوی دیگر، خلاف بمباران نسل‌کشی اسرائیل در غزه – یک نمونه بارز از هدف قرار دادن واقعی غیرنظامیان – می‌دانیم که هیچ تفاوت قابل توجهی بین اعدادی که می‌بینیم و اعداد واقعی قربانیان وجود ندارد. برای غزه، تمام اعدادی که در حال حاضر داریم، مطمئناً کمتر از حد واقعی هستند.

نکته مهم به همان اندازه واضح است: ارقام اوکراین نشان‌دهنده ردپای حملاتی نیست که غیرنظامیان را هدف قرار داده‌اند – به ویژه اگر این حملات شامل تقریباً ۱۰۰ راکت و نزدیک به ۱۰۰۰ پهباد باشد. در واقع، این ارقام حتی شواهدی از بی‌تفاوتی روسیه نسبت به تلفات غیرنظامیان نیست. اگرچه این ارقام غمانگیز هستند، اما نشان می‌دهند که روسیه باید مراقب بوده باشد تا از «خسارات جانبی» غیرنظامیان جلوگیری کند. در اوکراین، اذعان به این واقعیت

ممکن است دردناک باشد – در غرب، از نظر سیاسی ناخوشایند است – اما هر برداشت دیگری از آمارهای موجود منطقی نیست.

نه تنها فریدریش مرتس، بلکه دونالد ترمپ نیز باید فوراً در مورد موارد فوق واقع‌بین شوند. ترمپ پست کرده است که «افراد زیادی» کشته می‌شوند. اگر منظور او افسران و سربازان اوکراینی است، پس ما بسادگی نمی‌دانیم. در هر صورت، این در جنگ جرم نیست. و امریکائی‌ها قطعاً هرگز کمترین تردیدی در کشتن انبوه رزمندگان (یا غیرنظامیان، برای این موضوع) نشان نداده‌اند.

اگر منظور ترمپ غیرنظامیان است – همانطور که عبارت او «در شهرها» ممکن است نشان دهد – پس او بسادگی اشتباه می‌کند. یک نفر هم زیاد است، مثل همیشه، اما اگر رئیس‌جمهور ایالات متحده می‌خواهد ببیند که «تعداد زیادی» غیرنظامی کشته شده چگونه به نظر می‌رسد، باز هم باید به کشتار عمدی فلسطینی‌ها توسط اسرائیل نگاه کند. کشتاری که او نه کمتر از سلف خود، جو بایدن، از آن حمایت، کمک و تشویق می‌کند. اما برگردیم به مرتس. او سر جایش است، بیانیهای تشنج‌آمیز می‌دهد که به نظر می‌رسد تفاوت مهمی ایجاد می‌کند، اما بعد این کار را نمی‌کند. یا در پایان این کار را خواهد کرد؟ و دلیل اصلی او برای بیان آن – یا حداقل دلیل اصلی که او با ما در میان گذاشته است – صرفاً مزخرفاتی مبتنی بر اطلاعات نادرست است. از همه اینها چه می‌توانیم برداشت کنیم، جز این که این بیسمارک نیست؟ حتی هلموت کوهل یا آنگلا مرکل هم نیست. شاید این قرار است تمرینی در «ابهام ستراتیژیک» باشد، یک عادت احمقانه فرانسوی که اخیراً بوریس پیستوریوس، وزیر دفاع آلمان، با افتخار ادعا کرده است؟ اگر چنین است، برلین باید در مورد مدهای پاریسی که وارد می‌کند، بسیار دقیق‌تر عمل کند.